

نگرش جامعه‌شناختی به نظم اجتماعی در کلان‌شهرها (مطالعه تطبیقی شهرهای تهران، لندن، بمبئی)

دکتر محمدرضا جوادی یگانه^۱، محمدمهدی لبیبی^۲

چکیده

نظم اجتماعی را می‌توان یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در جامعه‌شناسی دانست به طوری که بسیاری از جامعه‌شناسان تمامی مباحث این حوزه را به دو مکتب نظم و تضاد تقسیم کرده‌اند. اما در عین حال این موضوع حالتی پارادوکسیکال دارد چرا که از یک سو این باور وجود دارد که برای دستیابی به پیشرفت جامعه به حداقلی از نظم اجتماعی نیاز است و از سوی دیگر این پدیده در تقابل با آزادی‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و نشانه‌ای برای اعمال قدرت محسوب می‌شود.

نظم اجتماعی در سطوح کلان، میانی و خرد قابل تحلیل است و ابعاد و زوایای گوناگونی را دربرمی‌گیرد. در این مقاله سعی بر این است تا نظم اجتماعی از دیدگاه خرد (از منظر کنشگران) مورد تحلیل قرار گیرد، به عبارت دیگر تلاش می‌شود تا شاخص‌هایی که می‌تواند معرف نظم اجتماعی باشد از درون مطالعات پیشین و منابع تجربی استخراج گردد و مهمترین متغیرهای تأثیرگذار بر نظم اجتماعی معین گردد. شناخت عوامل مؤثر بر نظم اجتماعی در نهایت ما را به دست یافتن به مدل نظری روشنی در این زمینه رهنمون می‌گردد. این مدل نشان‌دهنده عوامل و پارامترهای مهم تأثیرگذار در این زمینه است و در عین حال این امکان حاصل گردید تا بتوانیم وضعیت نظم اجتماعی در سطح خرد را در شهرهای مختلف با یکدیگر مقایسه نماییم و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را با یکدیگر نشان دهیم. در نهایت با مقایسه وضعیت این سه شهر راهکارهای اجرایی برای برقراری نظم اجتماعی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: احساس بی‌عدالتی، احساس ناامنی، مشارکت اجتماعی، نظم انتظامی، نظم انسجامی

^۱ myeganeh@ut.ac.ir

^۱ دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

^۲ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی labibi_mehdi@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

نظم اجتماعی (social order) را می‌توان یکی از مهمترین مسائل و موضوعات مورد بحث در جامعه و به تبع آن یکی از کانونی‌ترین مباحث جامعه‌شناسی دانست به طوری که می‌توان تمامی دیدگاه‌ها و نظریات جامعه‌شناسی را به دو مکتب نظم و تضاد تقسیم نمود.

مسئله بودن نظم اجتماعی از این واقعیت ناشی می‌شود که اصولاً هر جامعه‌ای برای بقا و دوام و پیشرفت خود نیازمند حداقلی از نظم اجتماعی است و بدون آن جامعه دچار اختلال گردیده و تا مرز فروپاشی پیش می‌رود.

این عقیده وجود دارد که چون جوامع پیشرفته به توسعه اقتصادی دست یافته‌اند و افراد در این جوامع از مرز نیازهای اولیه زندگی عبور کرده و به دنبال ارتقاء سطح کیفی زندگی خود و تعالی بخشیدن به آن هستند نوعی اعتماد جمعی در آنها شکل گرفته که این نوع اعتماد باعث ایجاد پیوندی گسترده و عمیق در بین آحاد جامعه می‌شود و آنها را در دستیابی به اهداف برتر یاری می‌رساند، در حالیکه در جوامع کمتر توسعه یافته دلایل مختلفی برای عدم اعتماد به دیگران وجود دارد و همین موضوع باعث تضعیف احساس پیوند نسبت به دیگران می‌شود و نوعی فردگرایی خودخواهانه را ایجاد می‌نماید که در نهایت بر شکل‌گیری و تداوم نظم اجتماعی اثری نامطلوب برجای می‌گذارد. کنکاش در واقعیت نظم اجتماعی ما را به ریشه‌ها و عوامل بیشتری در شکل‌گیری یا عدم شکل‌گیری آن می‌رساند و می‌تواند درک بهتری از شرایط موجود در هر جامعه و به تبع آن دستیابی به راهکارها و شیوه‌هایی برای رفع نابسامانیهای ناشی از بی‌نظمی اجتماعی ارائه نماید.

شکل‌گیری نظم اجتماعی در جوامعی که همانندی بین اعضای آن وجود دارد با سهولت بیشتری صورت می‌گیرد، زیرا در این جوامع افراد درک نسبتاً مشابهی از یکدیگر داشته و فهم مشترکی از شرایط موجود دارند در حالیکه به هر میزان که تنوع و تکثر عقاید، باورها و ارزشها در جامعه بیشتر باشد دستیابی به نظم اجتماعی دشوارتر و تا حدی پیچیده‌تر خواهد بود.

در این مقاله منظور از نظم اجتماعی عمدتاً نظم انسجامی^۱ است که معرف گونه‌ای از نظم است که در آن با حفظ تفاوت‌ها و تمایزات نوعی انسجام و همبستگی جمعی برای دستیابی به اهداف مشترک بر پایه خرد جمعی و همکاری بین افراد در فضایی عقلانی و منطقی شکل می‌گیرد، در حالیکه در شکل دیگر نظم اجتماعی یعنی نظم انتظامی^۲ تأکید بر قدرت و حاکمیت وجود دارد و گونه‌ای از نظم که از طریق اعمال زور توسط نهادهای سیاسی اعمال می‌شود آنرا به وجود می‌آورد. در این نوع نظم که می‌توان آنرا نظم از بالا نامید پذیرش درونی وجود ندارد یا میزان آن بسیار اندک است در حالیکه نظم انسجامی بر پایه مشارکت و حضور مردم و فعالیت آنها در زمینه‌های گوناگون استوار شده است.

سطوح تحلیل نظم اجتماعی

نظم اجتماعی را می‌توان در سه سطح تحلیلی کلان، میانی و خرد تحلیل نمود. در هر یک از این سطوح عوامل متعددی بر شکل‌گیری یا اختلال در نظم اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند.

در برخی از جوامع، شرایط و عوامل سطح کلان مانند ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زمینه مساعد برای تولید و رشد سرمایه اجتماعی جدید را فراهم نمی‌سازند، به همین جهت نظم اجتماعی که حاصل تعریض و تحکیم اجتماع جامعه‌ای است تحت الشعاع سایر خرده نظام‌های مرتبط با نظام (اقتصادی و سیاسی) قرار می‌گیرد. در نتیجه این وضعیت توسعه نامتوازن روی می‌دهد که خود عامل مهمی در عدم شکل‌گیری نظم با ثبات اجتماعی است.

در سطح میانی نیز نظم اجتماعی با موانع خاصی روبرو است چرا که اجتماعات کوچک، غیررسمی و محلی (مانند خانواده، قبیله و

^۱. Integrative order

^۲. Regulative Order

قوم) بر اجتماعات فرامحلی نظیر نهادهای مدنی نوین و سازمان‌های غیردولتی غلبه دارند، این پدیده باعث می‌شود تا سرمایه اجتماعی نوین که لازمه شکل‌گیری نظم اجتماعی است، تکوین پیدا نکرده و اختلال در جایگزینی سرمایه اجتماعی جدید به جای سرمایه اجتماعی قدیم باعث ایجاد حالتی از آنومی در جامعه شده و آسیب‌های اجتماعی را دامن بزند که تمامی این عوامل به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در ایجاد اختلال در فرایند نظم اجتماعی نقش مؤثری دارند.

نظم اجتماعی در سطح خرد به ویژگی‌های فردی، مانند باورها، ارزش‌ها (تعهد، مسئولیت‌پذیری، اعتماد، التزام به قانون و مانند آن) مربوط می‌شود و به هر میزان که این ویژگی‌ها در تناسب با ارزش‌ها و باورهای عام قرار گیرد اثربخشی بیشتری در فرآیند نظم اجتماعی جامعه خواهند داشت.

از آنجا که تحلیل عوامل مؤثر بر نظم اجتماعی در تمامی سطوح دربرگیرنده متغیرهای زیادی است به طوری که عملاً تعیین نقش هر یک از آنها و میزان تأثیری که بر جای می‌گذارند ناممکن است، سعی بر این است تا با بررسی و مطالعه منابع تجربی و پژوهش‌های میدانی انجام‌شده در شهرها عوامل عمده سطح خرد را که می‌تواند بر نظم اجتماعی تأثیرگذار باشد را مشخص سازیم. این موضوع به ویژه در شهرهای امروزی اهمیت زیادی پیدا می‌کند چرا که «شهرهای امروزی به مهم‌ترین بخش توسعه ملی هر کشور بدل شده و تردیدی نیست که شهرنشینی خود موجب ارتقاء استانداردهای زندگی برای بخش مهمی از مردم دنیا شده است.» (شیخی؛ ۱۳۸۹: ۷۸) بنابراین با ارتقاء سطح نظم انسجامی در جامعه می‌توان شاهد ارتقاء کیفی برخی از جنبه‌های زندگی در این شهرها نیز بود.

مروری بر منابع تجربی و پژوهش‌های پیشین در زمینه نظم اجتماعی

در مرور منابع تجربی کمتر می‌توان به مطالعاتی دست یافت که دقیقاً به موضوع نظم اجتماعی در کلان‌شهرها پرداخته باشد. بسیاری از منابع تجربی به مسائل و مشکلات شهروندان در کلان‌شهرها اشاره کرده‌اند و از آنها به عنوان معضلات زندگی شهری نام برده‌اند. در این مقاله ابتدا به دیدگاه‌های مرتبط با نظم اجتماعی در پژوهش‌های خارجی اشاره می‌شود و سپس به نتایج پژوهش‌های انجام شده داخلی در مورد نظم اجتماعی می‌پردازیم.

نتایج پژوهش‌های انجام شده در غرب در مورد نظم اجتماعی

پژوهشگرانی که موضوع نظم اجتماعی در دنیای غرب را مورد مطالعه قرار داده‌اند سعی کرده‌اند با کشف عوامل اصلی تأثیرگذار بر نظم اجتماعی به نوعی تعمیم‌پذیری در این زمینه دست یابند. در این تحلیل‌ها اعتماد اجتماعی^۱ به عنوان اصلی‌ترین متغیر در مطالعات تجربی مطرح شده است، به طوری که محور عمده مباحث جدید نظم اجتماعی بر اعتماد اجتماعی و شکل تعمیم‌یافته آن تمرکز یافته و این اعتقاد وجود دارد که مساوات در فرصت‌های زندگی و توسعه‌یافتگی جوامع منجر به ایجاد اعتماد بین افراد و نظم اجتماعی می‌شود و به عنوان مثال به همین دلیل «جامعه آمریکا را در مقایسه با اروپا از اعتماد و در عین حال نظم اجتماعی بیشتری برخوردار می‌دانند.» (Uslaner, 2002)

اسلینر معتقد است اعتماد را می‌توان به دو گونه متفاوت دید. نخست اعتمادی که آنرا خاص می‌دانیم و ناشی از تجربه فردی است یعنی به فردی اعتماد می‌شود چون سابقه خوبی دارد یا تصور ما درباره آن فرد خاص به گونه‌ای مطلوب است و دوم اعتماد عام یا اخلاقی که به معنی نگرش مثبت به تمامی انسانها است و افراد ناشناس را نیز دربر می‌گیرد. (Uslaner, 2002) و این اعتماد در حالت دوم است که اهمیت خاصی در موضوع نظم اجتماعی در جوامع امروزی دارد. او در جمع‌بندی پژوهش خود با عنوان «نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی» به بررسی علت مشارکت وسیع افراد در جامعه آمریکا پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که مهمترین عامل تأثیرگذار در بی‌اعتمادی بین افراد و نابسامانی در نظم اجتماعی چیزی جز نابرابری و بی‌عدالتی نیست به طوری که

1. Social Confidence

احساس نابرابری موجب کاهش اعتماد تعمیم‌یافته و گسستگی اجتماعی می‌شود. (Uslaner, 2003: 27) نگاه دقیق به نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در کانون مباحث مربوط به نظم اجتماعی قرار گرفته است.

از نظر هاردین (2006) نیز، نظم اجتماعی بر پایه اعتماد بین افراد استوار شده است و اعتماد نیز خود رابطه‌ای سه وجهی بین اعتمادکننده، اعتمادشونده و موضوع مورد اعتماد را دربرمی‌گیرد. اگر فردی در جامعه احساس کند دیگران قادرند بخشی از دارایی او را تصاحب کنند و در انجام این عمل نگران پی‌گیری قانون یا ترس از مجازات نباشند، در این حالت نظم اجتماعی به شدت دچار اختلال خواهد شد، در حالیکه اگر در جامعه روحیه‌ای در افراد شکل گرفته باشد که در گرفتاریها و معضلات شخصی به یاری یکدیگر بشتابند نظم اجتماعی در اوج ثبات و پایداری خود خواهد بود. (Hardin, 2006: 21)

پیتر بلاو معتقد است نظم اجتماعی در مبادله اجتماعی^۱ شکل می‌گیرد. او نیز اعتماد اجتماعی را شاخصه اصلی مبادله اجتماعی می‌داند و معتقد است در حالیکه در مبادله اقتصادی افراد براساس یک قرارداد رسمی توقع مشخصی از منافع مشترک دارند، در مبادله اجتماعی افراد اگرچه این انتظار را بصورت ذهنی دارند اما در آن تعهدی آشکار و صریح وجود ندارد و حتی زمان مشخصی برای جبران آن مورد انتظار نیست لذا در کانون مبادله اجتماعی نیازمند اعتماد هستیم. (Blau, 2002: 109) و همین اعتماد است که در نهایت پیوند بین افراد و نظم اجتماعی را به وجود می‌آورد.

الکساندر (2001) نیز اعتماد را یکی از نشانه‌های گفتگوی آزاد و تعامل منطقی در جامعه مدنی می‌داند. او بی‌اعتمادی، انفعال، وابستگی و عدم عقلانیت را از شاخصه‌های جوامع غیردموکراتیک برمی‌شمرد (Alexander, 2001: 191). از دیدگاه او نظم اجتماعی هم در سطح خرد و هم در سطح کلان معنا پیدا می‌کند.

ولش (2005) نوع دوستی^۲ را مهمترین عامل همبستگی اجتماعی و به تبع آن نظم اجتماعی می‌داند، او معتقد است نوع دوستی خود موجب اعتماد به دیگران و در نهایت گسترش روابط اجتماعی و پیوندهای نزدیک بین افراد می‌شود. (Welch, 2005: 453) و اینگونه است که تجمع پیوندهای اجتماعی و ارتباطات نزدیک بین افراد منجر به شکل‌گیری نظم اجتماعی می‌شود. جامعه‌شناسان غربی نیز از دیرباز موضوع نظم اجتماعی را با توجه به دیدگاه خاص خود و شرایط جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کرده‌اند مورد توجه و مطالعه قرار داده‌اند.

جامعه‌شناسان کلاسیک عمدتاً سعی کرده‌اند نظم را در مقابل تضاد قرار دهند، از دیدگاه نظم جامعه‌ترکیبی از عناصر ساختاری یا افرادی است که هر کدام هماهنگ با سایر عناصر و افراد با ایفای کارکرد یا نقشی خاص به ثبات حیات اجتماعی کمک می‌کنند و از دیدگاه تضاد جامعه ترکیبی از اجزای متضاد است به گونه‌ای که می‌توان آنرا وحدت تضاد نامید، از این دیدگاه تضاد عامل مهمی در تحول جوامع محسوب می‌شود و نظم حالتی ناپایدار پیدا می‌کند.

از نظر مارکس نظم هنجاری تحت تأثیر سلطه طبقه حاکم شکل می‌گیرد زیرا ارزش‌های حاکم بر جامعه چیزی جز ارزش‌های طبقه مسلط نیست. مارکس معتقد است صاحبان قدرت همواره مطلوبیت نظم اجتماعی را از این منظر می‌نگرند که ثبات نظم اجتماعی عامل مهمی در حفظ قدرت آنان است در حالیکه توده‌های محروم خواستار برهم‌زدن نظم موجود و خلق دنیایی جدید هستند. در سطح تحلیل خرد که مورد اشاره این مقاله است مارکس معتقد است نابرابری‌های طبقاتی عامل اصلی بی‌نظمی است و هنگامی که فرد چنین احساسی داشته باشد سعی در مقابله با وضعیت حاکم بر جامعه می‌نماید و این موضوع در کلان‌شهرها شدت بیشتری پیدا می‌کند (ساج؛ ۱۳۸۰: ۵۱).

1. Social Exchange

2. Altruism

از نگاه دورکیم نظم اجتماعی را باید در قالب شکل‌گیری تقسیم کار، تقویت وجدان جمعی، حضور نهادهای مدنی و تولید اخلاق مدنی برای کنترل درونی و تقویت قانون برای کنترل بیرونی نگریست (ورسلی؛ ۱۳۸۸: ۱۲). دورکیم بر این باور است که وجدان جمعی نقش مهمی در ایجاد نظم اجتماعی دارد و آنچه مشروعیت نظم اجتماعی را خدشه‌دار می‌کند، فاصله بین ارزش‌های مورد حمایت دولت‌ها و ارزش‌های برخاسته از وجدان جمعی است. بنابراین هر چقدر در جامعه شدت باورهای اخلاقی و باورهای دینی بیشتر باشد امکان دستیابی به نظم اجتماعی پایدار نیز بیشتر خواهد بود (چلبی؛ ۱۳۷۵: ۲۸۶).

ویلسون نیز از دیدگاه زیستی - روانی به پدیده نظم اجتماعی می‌نگرد و معتقد است عدم تطابق روابط و مناسبات اجتماعی با الگوهای زیستی - روانی در کنار عدم تطابق پیچیدگی‌های نظم اجتماعی با پیچیدگی‌های محیطی و زیستی نظم حاکم بر جامعه را مخدوش می‌سازد (ویلسون؛ ۱۳۸۴: ۲۹۷). همانطور که پارتو نیز معتقد است توزیع بقایا در جامعه مبنای زیستی و روانی دارد و هومنز نیز بر این نکته پافشاری می‌کند که انسان‌ها ناچارند نظم اجتماعی را از طریق پیروی از الگوی مشترک رفتاری شکل دهند که مبنای آن زیستی - روانی است. بر طبق این دیدگاه احساس ناامنی و احساس بی‌عدالتی نقش مهمی در برهم خوردن نظم اجتماعی در سطح خرد دارد و هر چقدر این احساس کاهش یابد میزان مشارکت اجتماعی افراد در امور گوناگون افزایش یافته و نظم اجتماعی قوام و ثبات بیشتری خواهد یافت (آراسته‌خو؛ ۱۳۸۱: ۸۷).

وبر نیز از دیدگاه نمادگرایی به نظم اجتماعی نگریسته و معتقد است برای ایجاد نظم اجتماعی نیازمند معنا بخشیدن به حیات اجتماعی هستیم. از نگاه وبر بین ساختار و تمایلات فردی روابط نظام‌یافته‌ای وجود دارد به طوری که فرد با قرار گرفتن در متن جامعه و با درونی کردن ارزش‌های آن تصمیماتی متناسب با نیازهای جامعه خویش اخذ می‌کند و در این حالت نظم اجتماعی حالتی انسجامی یافته و به صورت خودجوش در جامعه تسری می‌یابد (چلبی؛ ۱۳۷۵: ۱۱). بر این اساس نظم اجتماعی در حالتی پایدار می‌ماند که نگرش‌های افراد در جامعه به یکدیگر نزدیک شده و نوعی خرد جمعی که وبر از آن تحت عنوان عقلانیت نام می‌برد در جامعه سلطه یابد. بدین ترتیب اعتماد و مشارکت دو ویژگی اصلی در شکل‌گیری چنین رابطه‌ای خواهند بود (فیالکوف؛ ۱۳۸۳: ۱۰۱).

از دیدگاه جامعه‌شناسان تلفیق‌گرا نظم اجتماعی را باید در ارتباط با تمامی خرده نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تعریف نمود. از نظر پارسونز فرهنگ مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری نظم اجتماعی است و هنگامی که افراد در جامعه احساس بی‌عدالتی و ناامنی نداشته باشند به تدریج با تقویت اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی جامعه از نظم اجتماعی مطلوب برخوردار می‌شود. به عقیده هابرماس نظم انسجامی در حوزه اجتماعی شکل می‌گیرد زیرا این حوزه قلمرو تعاملات اجتماعی، مفاهیم و تفاهم است، او بر گفت‌وگوی آزاد و خردمندانه پافشاری می‌کند و شرط آنرا مشارکت اجتماعی گسترده مردم می‌داند که بدون اعتماد اجتماعی امکان بروز و ظهور نمی‌یابد (سیدمن؛ ۱۳۸۶: ۶۱).

در اندیشه بوردیو نیز احساس نابرابری افراد در جامعه نقش مهمی در کاهش نظم اجتماعی دارد. او معتقد است نابرابری‌های ساختاری نظم اجتماعی را مختل نموده و زمینه لازم برای اعمال خشونت آشکار و پنهان و نمادین را فراهم می‌سازد، در این حالت سبک زندگی خاصی بر افراد تحمیل می‌شود در حالیکه در توسعه متوازن الگوهای کنش و کردار همسو و هماهنگ بوده و نظم اجتماعی منطقی درونی پیدا می‌کند (قاسمی؛ ۱۳۸۴: ۳۸).

گیدنز نیز معتقد است در کانون نظم اجتماعی مفهوم اعتماد قرار دارد و این اعتماد است که نظمی پایدار را شکل می‌دهد. او در بحث از اعتماد به تفاوت آن در جوامع سنتی و مدرن اشاره می‌کند و معتقد است در جوامع مدرن اعتماد حالتی انتزاعی پیدا کرده است. چرا که وجه عمده این نوع اعتماد در جوامع مدرن پایبندی‌های بی‌شکلی است که در نظام‌های تخصصی معنا پیدا می‌کند (گیدنز؛ ۱۳۸۳: ۱۱۳).

جامعه‌شناسان سیاسی نیز به این موضوع توجه خاصی نشان داده‌اند، هانتینگتون بر توسعه نهادمندی^۱ تأکید می‌کند و معتقد است اگر توسعه چندجانبه نباشد میزان مشارکت اجتماعی افراد در جامعه کاهش می‌یابد و نظم اجتماعی با اختلال روبرو می‌شود. تد رابرت‌گر نیز محرومیت نسبی^۲ را عامل مهمی در کاهش نظم اجتماعی می‌داند و معتقد است عمده‌ترین عامل مؤثر بر کاهش نظم اجتماعی احساس بی‌عدالتی افراد در جامعه است (بشیریه؛ ۱۳۸۲: ۴۸).

نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در مورد نظم اجتماعی در ایران

در ایران نیز در بسیاری از پژوهش‌های انجام شده نظم اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. علی‌اوتارخانی (۱۳۸۸) در پژوهش خود تحت عنوان عدالت و انصاف در همکاری مبتنی بر اعتماد معتقد است «افراد در جامعه اعتماد را از طریق حرمت، صداقت و امانت درک می‌کنند. به اعتقاد محقق زمانی افراد به یک نظام اعتماد می‌کنند که در آن با آنها صادقانه رفتار شود.» (اوتارخانی؛ ۱۳۸۸: ۳۲) و تنها در این حالت است که افراد یا شهروندان خود را ملزم به رعایت قانون و احترام به آن می‌دانند و زمینه لازم برای استقرار نظم اجتماعی را به وجود می‌آورند. این در حالی است که به اعتقاد دکتر جمعه‌پور روند کنونی در شهر تهران نشان می‌دهد سازوکارهای سیستم شهری در بازتولید معماری و ساخت کالبدی و بازتوزیع درآمد در شرایط فعلی به نحوی عمل می‌کند که سبب نابرابری و بی‌عدالتی بیشتر و عدم تناسب فضایی بیشتر می‌شوند (جمعه‌پور؛ ۱۳۸۸: ۳۷-۳۶). لذا این فرایند می‌تواند بر نظم اجتماعی اثری تخریبی داشته باشد.

پروین علی‌پور (۱۳۸۸) در جمع‌بندی پژوهش خود با عنوان «اعتماد و مشارکت» بر این نکته تأکید دارد که بین اعتماد و مشارکت همبستگی بسیار نیرومندی برقرار است.

سوسن باستانی و دیگران (۱۳۸۶) در جمع‌بندی پژوهش خود با عنوان «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت» معتقد است مردان به دلیل ارتباط بیشتر با محیط بیرونی و به تبع آن برخورداری از فعالیت‌های اجتماعی بیشتر و قرار گرفتن در موقعیت‌های شغلی و اجتماعی بهتر نسبت به زنان امکان بیشتری برای گسترش پیوندهای اجتماعی دارند و این موضوع هم به لحاظ تعداد افرادی که با آنها ارتباط دارند و هم به لحاظ نوع و ماهیت و ویژگی‌های آن افراد با زنان تفاوت معناداری دارد. زنان بیشتر نقش تأمین حمایت‌های عاطفی را دارند در حالیکه مردان نقش عمده‌ای در حمایت‌های عملی ایفا می‌کنند. براساس نتایج این تحقیق می‌توان گفت نقش مردان در شکل‌گیری نظم اجتماعی بیش از زنان است.

حسین شکوئی (۱۳۸۳) در جمع‌بندی پژوهش خود با عنوان «سازوکارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرح‌های توسعه شهری» معتقد است، ضعف شوراهای محلی و بی‌توجهی مسئولین به اهمیت مشارکت مردم در برنامه‌ریزی‌های شهری باعث جدایی آنان از سیاست‌های اجرایی شده و فرایند مشارکت را دچار اختلال می‌نماید، به گونه‌ای که می‌توان این عوامل را عواملی بازدارنده در شکل‌گیری و بقای نظم اجتماعی دانست. در این تحقیق تأثیر نهادهای اجتماعی بر نظم اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است.

محمد عبداللهی و دیگران (۱۳۸۴) در جمع‌بندی پژوهش خود تحت عنوان «هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های سنندج» بر این باورند که هر چقدر مای عام یا اجتماع عام که مبتنی بر وفاق اجتماعی است، ضعیف‌تر گردد و ماهای کوچکتر خانوادگی، گروهی و قومی قویتر شوند، موجبات سست شدن هویت جمعی عام را فراهم می‌آورند اما هر چقدر کنشگران اجتماعی در زندگی اجتماعی براساس وفاق اجتماعی عام رفتار کنند و به اجتماع و هویت جمعی تعمیم‌یافته و تعهد درونی تعمیم‌یافته وابستگی عاطفی پیدا کنند، اجتماع عام و مای تعمیم‌یافته را تقویت خواهند کرد. این نتیجه‌گیری منطبق با نظریه‌های دورکیم،

1. Institutional Development

2. Relative Deprivation

بوردیو، هابرماس و پارسونز است که به آنها اشاره شد. در واقع در این تحقیق شکل گیری هویت جمعی تعمیم یافته و تعهد درونی شرط لازم نظم اجتماعی تلقی می شود.

ناصر فکوهی (۱۳۸۸) در جمع بندی پژوهش خود تحت عنوان «تقویت اخلاق شهروندی: راهی برای گذار به مردم سالاری مشارکتی» معتقد است ایجاد اخلاق شهروندی نمی تواند از صفر شروع شود و هر چقدر پشتوانه های اخلاقی قوی تری وجود داشته باشد امکان گسترش یافتن این نوع اخلاق بیشتر می شود. فکوهی دین، سنت، تنوع قومی و زبانی، اخلاق مدنی و اخلاق سیاسی را در رفتار شهروندی مؤثر می داند. او معتقد است وجود سنت ها و آداب و رسوم و زبان های محلی و قومی می تواند نعمت بزرگی برای کشور باشد او در بحث از اخلاق مدنی بر هماهنگی بین فرآیند جامعه پذیری فرد در درون خانواده و سیستم آموزش رسمی و حوزه عمومی تأکید می کند و در زمینه اخلاق سیاسی معتقد است مفهوم دولت باید در ذهن شهروندان درونی شود به طوری که آنرا عنصری بیرونی و حاکمیتی جدا از کالبد عمومی تصور نکنند (فکوهی؛ ۱۳۸۸: ۱۶).

این موضوع نشان می دهد باورهای دینی و سنت های ملی می توانند نقش مهمی در ایجاد نظم انسجامی داشته باشند. رسول ربانی (۱۳۸۸) در جمع بندی پژوهش خود تحت عنوان «بررسی موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه با تأکید بر خاص گرایی» به این نکته اشاره می کند که خاص گرایی یکی از عوامل کلیدی تضادهای اجتماعی است و این ویژگی به جای کارکرد مثبت و وحدت بخش دارای کارکرد منفی و تعارض آفرین در فرایند توسعه پایدار و متوازن است. محقق بر این باور است که اگر بتوان در جامعه زمینه های تعامل برون گروهی شهروندان را فراهم نمود، در این صورت افراد ضوابط و ملاک های عام و غیرشخصی را بر ضوابط و ملاک های خاص و شخصی ترجیح خواهند داد.

محمدجواد ناطق پور (۱۳۸۴) در جمع بندی نتایج پژوهش خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل گیری آن» معتقد است در ایران نسل مسن تر نسبت به نسل جوان تر از اعتماد عمومی بیشتری برخوردار است. این موضوع در مقایسه نسل مسن قبل از انقلاب با نسل جوان بعد از انقلاب تفاوت کاملاً معناداری را نشان می دهد. بر این اساس می توان نتیجه گرفت که افراد مسن تر به علت برخوردار بودن از اعتماد عمومی بالاتر نقش مؤثرتری در ایجاد نظم اجتماعی دارند و جوانان پتانسیل فعالی برای مقابله با نظم اجتماعی موجود در جامعه دارند.

علیرضا ملائی توانی (۱۳۸۱) در جمع بندی پژوهش خود با عنوان «ریشه های نابسامانی نظم در ایران» به این نکته اشاره می کند که شکل گیری نظم نیازمند فراهم آمدن مقدمات و بسترهای فرهنگی مناسب و ایجاد و تقویت نهادهای مدنی و برقراری ارتباط با دنیای بیرونی است. بر اساس این پژوهش باورهای اخلاقی و مشارکت اجتماعی نقش مهمی در شکل گیری نظم اجتماعی دارند.

عباس کاظمی و دیگران (۱۳۸۸) در جمع بندی پژوهش خود تحت عنوان «شهر بی انضباط و محدودیت های ظهور شهروندی در ایران» معتقد است شکل گیری اخلاق شهروندی بیش از آنکه به آموزش مرتبط باشد به زیرساخت های شهری و الگوهای نظارتی ارتباط دارد زیرا همین الگوهای نظارتی و زیرساخت های شهری است که عقلانیت شهروندان را شکل داده است، عقلانیتی که با مظاهر شهر هماهنگ شده و متناسب با آن اشکال بی نظمی را در شهروندان باز تولید می کند. (کاظمی؛ ۱۳۸۸: ۲۴)

علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۷۹) در جمع بندی پژوهش خود تحت عنوان «مبانی نظری و تجربی واندالیسم، مطالعه موردی شهر تهران» نشان می دهد که عوامل مهم تأثیر گذار بر این پدیده عبارتند از: احساس بی هنجاری، احساس رجحان، اختلال و نابسامانی در شرایط خانوادگی و تحصیلی که این موارد رضایت فرد از زندگی را تحت تأثیر قرار داده و احساس پر خاشگرگی و رفتارهای ضد اجتماعی را در آنها تقویت می کند (محسنی تبریزی؛ ۱۳۷۹: ۲۲۱). در این پژوهش بر احساس بی عدالتی تأکید خاصی به عمل آمده و آنرا یکی از مهمترین عوامل اختلال در نظم اجتماعی دانسته اند.

میرطاهر موسوی (۱۳۸۴) در جمع بندی پژوهش خود با عنوان «تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران» به این نتیجه می رسد که هر چند در طی دهه های اخیر تحولاتی در زمینه مشارکت شهروندان تهرانی روی داده، اما هنوز اکثریت شهروندان تهرانی تقدیر گرا بوده،

در روابط شخصی نسبت به یکدیگر بی‌اعتمادند و خانواده‌گرایی در آنان بسیار گسترده است. این پژوهشگر معتقد است شهروندان تهرانی در بعد نظری مایل به مشارکت هستند اما میزان مشارکت آنان در بعد عینی و عملی بسیار ناچیز است.

مهدی امیرکافی (۱۳۸۰) در جمع‌بندی پژوهش خود تحت عنوان «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» نشان می‌دهد که میزان اعتماد اجتماعی بین افراد در شهر تهران عاملی مهم در همبستگی اجتماعی و نظم انسجامی است و متغیرهایی مانند امنیت، مقبولیت اجتماعی، و دگردوستی نقش مهم و اساسی در ایجاد آن دارند.

مسعود چلبی و دیگران (۱۳۸۱) در پژوهش خود با عنوان «آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان» به این نتیجه می‌رسد که نظم در سطح خرد را باید ابتدا درون خانواده جستجو کرد، در صورتیکه در خانواده چهار عامل همدلی، همگامی، همفکری و همبختی وجود داشته باشد زمینه لازم برای بزهکاری نوجوانان از میان می‌رود و جامعه با سطحی از نظم اجتماعی قابل قبول روبرو خواهد شد.

فریرز بیات (۱۳۸۳) در جمع‌بندی پژوهش خود تحت عنوان «اخلاق و نظم اجتماعی پایدار» به این نکته اشاره می‌کند که پایبندی به اخلاق تا حد زیادی وابسته به عام‌گرایی، تعهد عام، اعتماد عام و کنش عقلانی است. افراد هرچه بیشتر براساس معیارهای فراگیر، عام و غیرشخصی عمل کنند و ضوابط را بر روابط ترجیح دهند، پایبندی بیشتری به ارزش‌های اخلاقی خواهند داشت و هر چه احساس تعهد و مسئولیت فرد از دایره دوستان و خویشان فراتر رود، اخلاقی‌تر عمل خواهد کرد. در این پژوهش باورهای اخلاقی و مشارکت اجتماعی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر نظم اجتماعی قلمداد می‌شوند.

تقی آزاد ارمکی و دیگران (۱۳۸۳) در جمع‌بندی پژوهش خود تحت عنوان «اعتماد، اجتماع و جنسیت» به این نتیجه می‌رسد که در تهران، متولدین سایر شهرها و روستاها، متأهلین نسبت به مجردان، شاغلان نسبت به بیکاران و افراد تحصیل کرده نسبت به افراد بیسواد، اعتماد بیشتری نسبت به یکدیگر دارند، در واقع این گروه‌ها بیشتر مساعد پیوند یافتن با یکدیگر هستند و می‌توان گفت نقش آنها در شکل‌گیری نظم اجتماعی پررنگ‌تر است.

سجاد اجاقلو و دیگران (۱۳۸۴) در جمع‌بندی پژوهش خود با عنوان «بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» معتقد است بین سنت‌گرایی و منطقه سکونت افراد رابطه‌ای نزدیک وجود دارد و ترکیب آنها بر اعتماد اجتماعی افراد مؤثر واقع می‌شود، همچنین بین میزان تحصیلات و اعتماد اجتماعی نیز رابطه‌ای مستقیم و معنادار وجود دارد.

در برخی از پژوهش‌ها نیز صرفاً به موضوع التزام به قانون پرداخت شده و آنرا مهمترین شاخصه نظم اجتماعی دانسته‌اند. حمید عباداللهی (۱۳۸۹) در جمع‌بندی پژوهش خود تحت عنوان «موانع ساختاری استقرار قانون در ایران» به این نتیجه می‌رسد که علت بنیادین عدم استقرار قانون در تاریخ ایران نوع مدیریت سیاسی، نظامی و اقتصادی محدودده سرزمین ایران است. عباداللهی معتقد است تفکر قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی در طی قرون و اعصار گوناگون حاصل عملکرد این سه بخش بوده و نسل به نسل در اذهان مردم جای گرفته و منتقل شده است (عباداللهی؛ ۱۳۸۹: ۱۲۷). به عبارت دیگر در این پژوهش و پژوهش‌های مشابه آن این مسئله از دیدی تاریخی نگریسته شده است.

جمع‌بندی تحقیق و مدل نظری نظم اجتماعی

نتایج پژوهش‌های انجام شده این امکان را فراهم می‌آورد تا عوامل مؤثر بر نظم اجتماعی در کلان‌شهرها را مشخص نمایم:

۱- میزان احساس بی‌عدالتی

۲- میزان احساس ناامنی

۳- میزان مشارکت اجتماعی

۴- میزان خانواده‌گرایی

۵- شدت باورهای دینی

۶- شدت باورهای اخلاقی

این در حالی است که ما نظم اجتماعی را در سطح خرد مورد ارزیابی قرار می‌دهیم در حالیکه اگر نظم اجتماعی در سه سطح کلان، میانی و خرد در نظر گرفته شود

این مطالعات نشان می‌دهند که در سطح کلان ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر نظم اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند (فکوهی ۱۳۸۸؛ ایمانی ۱۳۸۷؛ توسلی ۱۳۷۰؛ چلبی، ۱۳۷۶؛ مهدیزاده ۱۳۸۶؛ معین ۱۳۸۶؛ نوایخش ۱۳۸۹؛ حبیب ۱۳۸۷؛ نیکومرام ۱۳۸۷؛ یوسفی ۱۳۸۷؛ بهمنی ۱۳۸۹؛ قادری ۱۳۸۶؛ عبادالهی ۱۳۸۹؛ پیران ۱۳۷۹؛ کفاشی ۱۳۸۹؛ نجاتی حسینی ۱۳۸۸؛ سام‌آرام ۱۳۸۸؛ محمودی ۱۳۸۸؛ عبداللهی ۱۳۸۱؛ هزاوه‌ای ۱۳۸۳؛ نیکفر ۱۳۷۸؛ بغدادی ۱۳۸۶؛ یعقوبی ۱۳۸۸؛ حبیبی ۱۳۸۹).

در لایه دوم با سطح میانی تحلیل روبرو هستیم چرا که بسیاری از مطالعات انجام شده به تأثیر نهادها و سازمان‌های اجتماعی گوناگون هر جامعه بر نظم اجتماعی اشاره نموده‌اند (ایران‌نژاد ۱۳۸۹؛ سفیری ۱۳۸۷؛ موسوی ۱۳۸۷؛ ربانی ۱۳۸۱؛ کبیریان ۱۳۸۸؛ میرزایی ۱۳۸۵؛ کاظمی ۱۳۸۹؛ حاجی‌محمدی ۱۳۸۹؛ محسنی تبریزی ۱۳۸۳؛ حسینی‌نژاد ۱۳۸۸؛ بیات ۱۳۸۸؛ وروایی ۱۳۸۸؛ پرهیزکار ۱۳۸۶؛ فاضلی ۱۳۸۹؛ موسویان ۱۳۸۹؛ عابدی ۱۳۸۹؛ رضازاده ۱۳۸۹؛ منصور ۱۳۸۸؛ درانی ۱۳۸۰؛ برک‌پور ۱۳۸۸؛ بسنده ۱۳۸۸؛ قیومی ۱۳۸۹؛ کاظمیان ۱۳۸۳). در بسیاری از این مطالعات مدیریت شهری و نظام اداره شهر همراه با مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادها (شهرداری، نیروی انتظامی، راهنمایی و رانندگی و...) و نهادهایی مانند خانواده و مدرسه و دانشگاه و مجموعه‌ای از عوامل کالبدی شهری به عنوان مهمترین عوامل تأثیرگذار بر نظم اجتماعی مطرح شده است.

در لایه سوم با سطح تحلیل خرد روبرو هستیم که در آن توجه خاص معطوف به کنش‌های فردی است. مطالعات انجام شده با این هدف به مواردی چون تعهد اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اخلاق شهروندی، مشارکت اجتماعی، نوع دوستی، احساس امنیت، قانون‌گرایی، رعایت حقوق سایر شهروندان، اعمال خشونت، اعتماد به دیگران، ترس و نگرانی، آزارهای خیابانی و مانند آن اشاره نموده‌اند (شیانی ۱۳۸۸؛ نرسیسیانس ۱۳۸۸؛ وظیفه‌دوست ۱۳۸۹؛ احمدی ۱۳۸۸؛ جوادی یگانه ۱۳۸۴؛ رضادوست ۱۳۸۸؛ غفاری ۱۳۸۵؛ وحید ۱۳۸۴؛ دلاور ۱۳۸۶؛ منتظر قائم ۱۳۸۰؛ رئیسی ۱۳۸۰؛ پوراحمد ۱۳۸۱؛ آقاجانی ۱۳۸۳؛ حاتمی ۱۳۸۷). که اگر به صورتی خاص بخواهیم این موارد را در قالب شاخص‌هایی که معرف وضعیت نظم اجتماعی در جامعه باشد نشان دهیم این امکان وجود دارد که برخی از موارد در یکدیگر ادغام شوند و از برخی موارد نیز که بیشتر حالت ذهنی دارد و سنجش آنها به سادگی امکان‌پذیر نیست چشم پوشی نماییم. بدین ترتیب همانطور که ذکر شد، چهار شاخص رعایت حقوق سایر شهروندان، التزام به قانون، پرهیز از اعمال خشونت و اعتماد به دیگران می‌توان معرف نظم اجتماعی باشد.

روش تحقیق و جامعه آماری

در این پژوهش وضعیت نظم اجتماعی در سه شهر تهران، لندن و بمبئی به صورت تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است. به طور خلاصه روش تطبیقی مبتنی بر مقایسه برای فهم مشابهت‌ها و تفاوت‌ها است و می‌توان آنرا یکی از با سابقه‌ترین روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی دانست (غفاری، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

از نظر تاریخی ارسطو با مقایسه دولت شهرهای گوناگون و هرودوت با مقایسه‌ای که میان جهان یونانی و غیر یونانی انجام داد از جمله نخستین کسانی بودند که از این روش استفاده نمودند. امیل دورکیم در قواعد روش جامعه‌شناسی معتقد است روش تطبیقی را تنها نباید شاخه‌ای از روش‌های مرسوم در جامعه‌شناسی دانست بلکه این روش تا آنجا دارای اهمیت است که می‌توان گفت جامعه‌شناسی چیزی جز روش‌های تطبیقی نیست.

در روش تطبیقی زندگی اجتماعی از طریق مقایسه و تطبیق واقعیت‌ها درک می‌شود به گونه‌ای که میزان تفاوت‌های موجود در بخش‌های گوناگون به شکلی درست و منطقی توصیف و تحلیل می‌گردد. می‌توان گفت حتی در روش‌هایی مانند روش

آزمایشگاهی که در آن دو گروه کنترل و گواه حضور دارند باز هم نوعی مقایسه تطبیقی صورت می‌گیرد. مطالعات تطبیقی می‌تواند به صورت کمی با نمونه‌گیری در سطح گسترده و یا به صورت کیفی و با موارد محدود انجام شود. در این رساله مطالعه تطبیقی حالتی کمی دارد یعنی نمونه‌هایی از افراد ساکن در شهرهای تهران، لندن و بمبئی انتخاب شده و در نهایت شباهت‌ها و تفاوت‌های رفتاری آنان در زمینه‌های گوناگون مرتبط با نظم اجتماعی با یکدیگر مقایسه می‌شود. اگر چه نقدهایی نیز در مورد روش مطالعه تطبیقی مطرح شده است اما امروزه از مطالعات تطبیقی به دو صورت مطالعه تطبیقی کمی که «متغیرمحور»^۱ است و مطالعه کیفی که «مورد محور»^۲ است همچنان در بسیاری از پژوهش‌های اجتماعی استفاده می‌شود. تفاوت عمده این دو روش این است که در مطالعه تطبیقی کمی، سعی بر این است تا با در نظر گرفتن فرضیه‌هایی که از مطالعات قبلی بدست آمده نوعی حرکت از سوی نظریه به سمت واقعیت‌ها صورت گیرد، جریانی که می‌توان آنرا حرکت از سطح نظری به سطح واقعی تلقی نمود. در حالیکه در مطالعه تطبیقی کیفی، ابتدا واقعیت‌ها مطالعه می‌شود و آنگاه این واقعیت‌ها در متن نظری خاص مورد تحلیل قرار می‌گیرند (ساعی؛ ۱۳۸۶: ۲۰۷).

مطالعه تطبیقی به دو شیوه انجام می‌شود. در شیوه نخست مطالعه تطبیقی درونی^۳ است و تغییرات یک پدیده معین مثلاً ازدواج یا طلاق یا خشونت اجتماعی در طول زمان در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف بررسی می‌شود. اما در شیوه دوم که مقصود این مقاله است مطالعه تطبیقی بیرونی^۴ انجام می‌شود، به طوری که تغییرات چند واقعیت متفاوت و در عین حال مرتبط به هم در طی یک زمان واحد در چند جامعه مطالعه می‌شود.

آنچه که در این مقاله مورد نظر است مطالعه تطبیقی متغیرمحور است. در این نوع مطالعه لازم است واحدهای تحلیل متجانس باشند، به عنوان مثال اگر بررسی نظم اجتماعی در شهرهای تهران، لندن و بمبئی مورد نظر است، در این حالت نمونه‌های انتخاب شده در این سه شهر باید به گونه‌ای معرف کل جمعیت ساکن در این شهرها باشند و اگر نمونه‌گیری حالتی هدفمند دارد شیوه عمل در تمامی شهرها به صورت یکسان اجرا شود. هدف اصلی این است که نتایج بدست آمده از نمونه‌های انتخابی در این شهرها را بتوان به کل جمعیت تعمیم داد زیرا هدف نهایی مطالعات تطبیقی دستیابی به گزاره‌های عام است (طالبان؛ ۱۳۸۸: ۲۵). اما در شرایطی که امکان نمونه‌گیری در سطوح بسیار وسیع وجود ندارد می‌توان از نمونه‌های در دسترس^۵ یا نمونه‌های هدفمند^۶ نیز استفاده کرد، در واقع این نمونه‌ها با توجه به ویژگی‌های خاصی که دارند برگزیده می‌شوند.

جامعه آماری تحقیق نیز شامل ۷۵۰ نفر می‌باشد که به طور مساوی و به صورت نمونه‌گیری تصادفی در هر یک از این سه شهر انتخاب شده است. برای کاهش ضریب خطا در انتخاب نمونه ابتدا جمعیت ساکن در هر یک از این شهرها به خوشه‌های متفاوتی تقسیم شده و از هر خوشه تعداد مناسبی انتخاب گردید.

همچنین برای تعیین قابلیت اعتماد ابزار سنجش (طیف‌ها) مورد استفاده در پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

1. Variable Oriented

2. Case Oriented

3. Internal Comparison

4. External Comparison

5. Available Samples

6. Purposive Samples

جدول شماره (۱) میزان آلفای شاخصهای تحقیق

شاخص ها	ضریب آلفای کرونباخ
احساس بی عدالتی	۰.۷۵۰
احساس ناامنی	۰.۷۴۱
میزان مشارکت اجتماعی	۰.۷۳۶
میزان خانواده گرایی	۰.۷۶۰
شدت باورهای دینی	۰.۸۵۶
شدت باورهای اخلاقی	۰.۷۰۰

همانطور که از جدول فوق مشخص است میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای همه مفاهیم تحقیق بزرگتر از ۰.۷۰ می باشد که قابل قبول بوده و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر است، بدین ترتیب می توان گفت تحقیق از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار است.

برای تعیین اعتبار سازه ای ابزار اندازه گیری نیز از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است در ضمن پرسشنامه ابتدا بصورت pre-test در بین ۳۰ نفر از پاسخگویان بصورت رندم توزیع و برخی از سؤالاتی که در آنها ابهاماتی دیده شد اصلاح گردید. لذا می توان پذیرفت پرسشنامه دارای اعتبار صوری نیز می باشد.

آزمون فرضیه های تحقیق

به منظور آزمون فرضیه های تحقیق از آزمونهای پارامتریک (مثل همبستگی، تی تست و تحلیل واریانس) استفاده شده است، ابتدا نرمال بودن داده های متغیر وابسته تحقیق مورد تأیید قرار گرفته است.

بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها

به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده های مربوط به متغیرهای، تحقیق از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. که نتایج آن در جدول زیر آمده است:

جدول شماره (۲) نیکویی برازش متغیرهای مکنون تحقیق طبق آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیر	احساس بی عدالتی	احساس ناامنی	میزان مشارکت اجتماعی	میزان خانواده گرایی	شدت باورهای دینی	شدت باورهای اخلاقی	میزان گرایش به نظم انسجامی
Z	۱.۶۹۸	۱.۲۸۶	۰.۸۹۴	۱.۳۱۰	۲.۴۸۵	۱.۷۹۹	۱.۲۰۱
سطح معنی داری	۰.۰۶۳	۰.۲۳۱	۰.۰۷۱	۰.۰۸۲	۰.۱۲	۰.۰۹۸	۰.۰۸۸

همانطور که می دانیم در صورتی که سطح معنی داری آزمون کولموگروف اسمیرنوف بیشتر از ۰/۰۵ باشد می توان نتیجه گرفت توزیع داده های مربوط به متغیر تفاوت معنی داری با توزیع نرمال ندارد. همانطور که در جدول فوق گزارش شده است سطح معنی داری همه متغیرهای تحقیق بزرگتر از ۰/۰۵ است. پس می توان گفت توزیع داده های مربوط به متغیرها تفاوت معناداری با توزیع نرمال ندارد.

فرضیه اول: هر چقدر میزان احساس بی عدالتی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی کمتر است. به منظور آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. که نتایج آن به قرار زیر می باشد:

جدول شماره (۳) ماتریس همبستگی بین احساس بی‌عدالتی و نظم انسجامی

شهرها	میزان	ضریب	احساس بی‌عدالتی	گرایش به نظم انسجامی
لندن	احساس بی‌عدالتی	ضریب همبستگی	۱	۰.۰۷۸
بمبئی	احساس بی‌عدالتی	ضریب همبستگی	۱	۰.۲۵۳ ^{°°}
تهران	احساس بی‌عدالتی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۳۹۴ ^{°°}
کل	احساس بی‌عدالتی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۴۵۰ ^{°°}

* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

بر طبق یافته‌های جدول فوق بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت که در کل بین احساس بی‌عدالتی و گرایش به نظم انسجام در سطح خطای کمتر از یک درصد و با ۹۹ درصد اطمینان رابطه معکوس و با شدتی متوسط ($r = -0.450$) برقرار است. به عبارت دیگر هر چه میزان احساس بی‌عدالتی بیشتر می‌شود گرایش به نظم انسجامی هم با شدت متوسطی کمتر می‌شود.

وضعیت هر یک از این سه شهر در ارتباط با این فرضیه و مقایسه بین آنها نشان می‌دهد که نتایج تحقیق در شهر تهران در راستای تأیید فرضیه بوده است اما در شهر لندن و بمبئی بر خلاف فرضیه تحقیق می‌باشد.

فرضیه دوم: هر چقدر میزان احساس ناامنی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی کمتر است. به منظور آزمون این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول شماره (۴) ماتریس همبستگی بین احساس ناامنی و نظم انسجامی

شهرها	میزان	ضریب	احساس ناامنی	گرایش به نظم انسجامی
لندن	احساس ناامنی	ضریب همبستگی	۱	۰.۰۸۱
بمبئی	احساس ناامنی	ضریب همبستگی	۱	۰.۲۱۷ ^{°°}
تهران	احساس ناامنی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۵۵۲ ^{°°}
کل	احساس ناامنی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۵۷۱ ^{°°}

* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

بر طبق یافته‌های جدول فوق بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت که تحقیق نتایج در شهر تهران در جهت تأیید فرضیه و در بمبئی در جهت خلاف فرضیه تحقیق است. در لندن نیز رابطه معناداری بین این دو متغیر مشاهده نمی‌شود.

فرضیه سوم: هر چقدر میزان مشارکت اجتماعی افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی بیشتر است. به منظور آزمون این فرضیه نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول شماره (۵) جدول ماتریس همبستگی بین مشارکت اجتماعی و نظم انسجامی

شهرها	میزان	ضریب	مشارکت اجتماعی	گرایش به نظم انسجامی
لندن	مشارکت اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	۰.۴۶۷ ^{°°}
بمبئی	مشارکت اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	۰.۳۳۸ ^{°°}
تهران	مشارکت اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	۰.۷۰۱ ^{°°}
کل	مشارکت اجتماعی	ضریب همبستگی	۱	۰.۵۷۰ ^{°°}

* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

بر طبق یافته‌های جدول فوق بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت که در هر سه شهر فرضیه تحقیق تایید می‌شود و تفاوت فقط در شدت رابطه همبستگی می‌باشد. بدین نحو که در تهران رابطه دو متغیر قوی‌تر از دو شهر دیگر است. در لندن این رابطه مستقیم و در حد متوسط است و در مورد بمبئی نیز، رابطه‌ی مستقیم و ضعیفی بین میزان مشارکت اجتماعی و گرایش به نظم انسجامی وجود دارد.

فرضیه چهارم: هر چقدر شدت خانواده‌گرایی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی کمتر است. به منظور آزمون این فرضیه نیز همانند فرضیه‌های دیگر، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول شماره (۶) ماتریس همبستگی بین خانواده‌گرایی و نظم انسجامی

شهرها	میزان	ضریب	خانواده‌گرایی	گرایش به نظم انسجامی
لندن	خانواده‌گرایی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۱۶۰ ^{oo}
بمبئی	خانواده‌گرایی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۰۶۶
تهران	خانواده‌گرایی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۷۳۱ ^{oo}
کل	خانواده‌گرایی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۶۶۳ ^{oo}

* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

بر طبق یافته‌های جدول فوق بر اساس ضریب پیرسون بدست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت: در شهر تهران و لندن رابطه این دو متغیر در جهت تایید فرضیه تحقیق است و تفاوت فقط در شدت رابطه می‌باشد. بدین نحو که در تهران این رابطه قوی و معکوس است ولی در شهر لندن رابطه‌ی ضعیف و معکوسی بین این دو متغیر برقرار است. در شهر بمبئی نیز رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.

فرضیه پنجم: هر چقدر شدت باورهای دینی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی بیشتر است. به منظور آزمون این فرضیه نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. که نتایج آن به قرار زیر است.

جدول شماره (۷) ماتریس همبستگی بین باورهای دینی و نظم انسجامی

شهرها	میزان	ضریب	باورهای دینی	گرایش به نظم انسجامی
لندن	باورهای دینی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۰۰۷
بمبئی	باورهای دینی	ضریب همبستگی	۱	۰.۷۷۷ ^{oo}
تهران	باورهای دینی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۵۰۵ ^{oo}
کل	باورهای دینی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۰۷۷ ^{oo}

* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

بر طبق یافته‌های جدول فوق بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت: در دو شهر بمبئی و تهران نتایج همبستگی، خلاف یکدیگر است، به نحوی که در شهر بمبئی بنا به فرض تحقیق، هر چقدر شدت باورهای دینی در افراد بیشتر می‌شود، گرایش آنان به نظم انسجامی نیز بیشتر می‌گردد و این در حالی است که در تهران این گرایش معکوس است. در شهر لندن نیز در این مورد، رابطه معناداری مشاهده نمی‌شود.

فرضیه ششم: هر چقدر شدت باورهای اخلاقی در افراد بیشتر باشد، گرایش آنان به نظم انسجامی بیشتر است. به منظور آزمون این فرضیه نیز از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن به قرار زیر است:

جدول شماره (۸) ماتریس همبستگی بین باورهای اخلاقی و نظم انسجامی

شهرها	میزان	ضریب	باورهای اخلاقی	گرایش به نظم انسجامی
لندن	باورهای اخلاقی	ضریب همبستگی	۱	۰.۵۳۰ ^{oo}
بمبئی	باورهای اخلاقی	ضریب همبستگی	۱	-۰.۳۴۴ ^{oo}
تهران	باورهای اخلاقی	ضریب همبستگی	۱	۰.۵۶۰ ^{oo}
کل	باورهای اخلاقی	ضریب همبستگی	۱	۰.۴۷۷ ^{oo}

* معنادار در سطح ۰/۰۱ (آزمون دو دامنه)؛ * معنادار در سطح ۰/۰۵ (آزمون دو دامنه)

بر طبق یافته‌های جدول فوق بر اساس ضریب پیرسون به دست آمده از آزمون همبستگی، می‌توان گفت قوی‌ترین رابطه این دو متغیر به ترتیب در بین پاسخگویان لندن و تهرانی مشاهده می‌شود و در هر دو شهر نیز این رابطه در جهت تایید فرضیه تحقیق است و در شهر بمبئی که، وضعیت متفاوتی با دو شهر لندن و تهران دارد، رابطه‌ای معکوس و در حد ضعیفی بین این دو متغیر برقرار است.

شاخص برازندگی تطبیقی (CFI):

مقدار آن بر پایه قرار داد باید دست کم ۰/۹۰ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود.

شاخص برازندگی (GFI):

بستگی به حجم نمونه ندارد و نشان می‌دهد که مدل تا چه حد نسبت به عدم وجود آن برازش بهتری دارد. این شاخص نسبت به سایر شاخص‌های برازندگی اغلب بزرگتر است، بر خی از پژوهشگران نقطه برش ۰/۹۵ را برای آن پیشنهاد کرده‌اند. بر پایه قرار داد، مقدار این شاخص باید برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود (Curran, 2004).

شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI)

این شاخص نیز مانند شاخص GFI باید بزرگتر از ۰/۹۰ باشد تا مدل مورد نظر پذیرفته شود.

شاخص نُرم شده برازندگی (NFI):

مقادیر NFI برابر یا بزرگتر از ۰/۹۰ را در مقایسه با مدل صفر، به عنوان شاخص خوبی برای برازندگی مدل‌های نظری توصیه کرده‌اند.

شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA):

مقدار این شاخص که در واقع همان آزمون انحراف هر درجه آزادی است، برای مدل‌هایی که برازندگی خوبی داشته باشند کمتر از ۰/۰۵ است. مقادیر بالاتر از آن تا ۰/۰۸ نشان‌دهنده خطای معقولی برای تقریب در جامعه است. مدل‌هایی که RMSEA آنها ۰/۱۰ یا بیشتر باشد برازش ضعیفی دارند.

همانطور که در جدول آمده است، نتایج حاصل از آزمون نشان‌دهنده نیکویی برازش داده‌ها است بدین ترتیب می‌توان مدل تحقیق را با توجه به یافته‌های آن ترسیم نمود.

مفروضات مدل معادلات ساختاری:

جدول شماره (۹) نتایج حاصل از آزمون کولموگراف اسمیرنوف برای آزمون نیکویی برازش داده‌ها

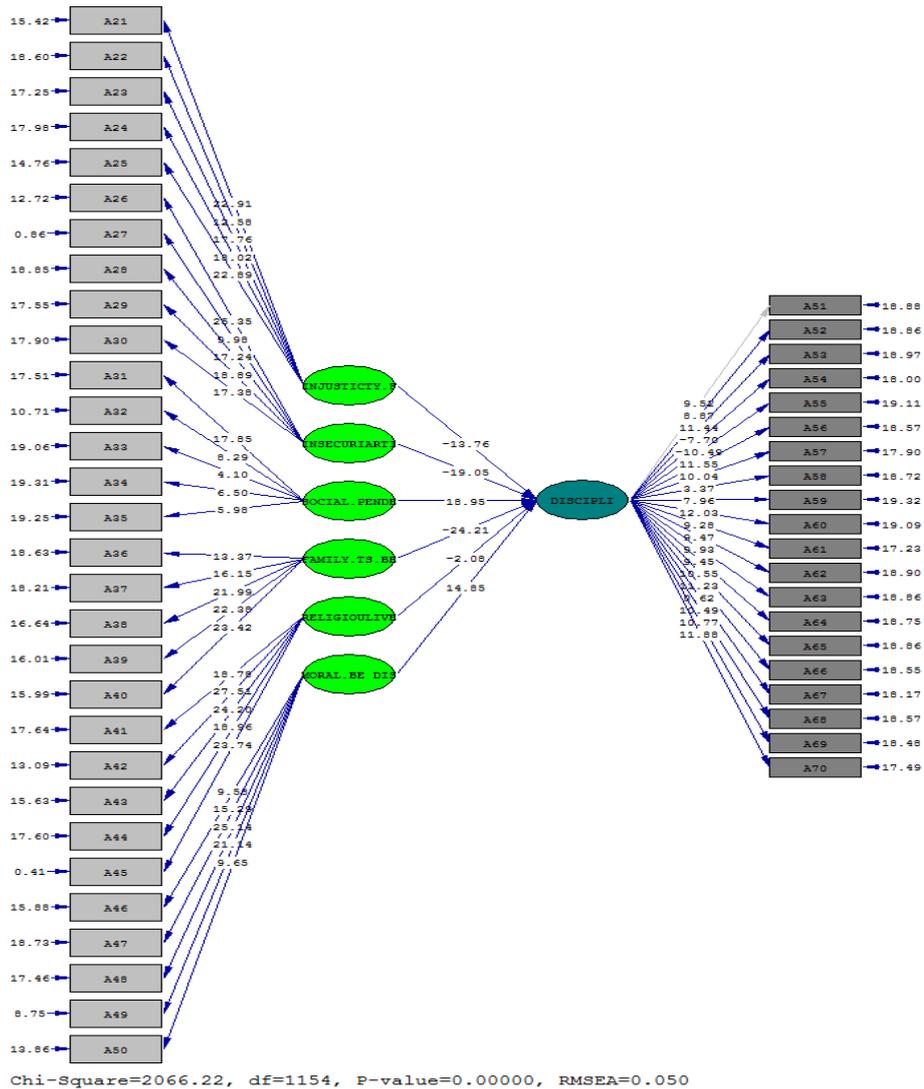
متغیر	احساس بی‌عدالتی	احساس ناامنی	میزان مشارکت اجتماعی	میزان خانواده‌گرایی	شدت باورهای دینی	شدت باورهای اخلاقی	میزان گرایش به نظم انجمنی
Z	۱.۶۹۸	۱.۲۸۶	۰.۸۹۴	۱.۳۱۰	۲.۴۸۵	۱.۷۹۹	۱.۲۰۱
سطح معنی‌داری	۰.۰۶۳	۰.۲۳۱	۰.۰۷۱	۰.۰۸۲	۰.۱۲	۰.۰۹۸	۰.۰۸۸

نتایج آزمون نیکویی برازش داده‌ها

مدل تجربی تحقیق:

مدل مفهومی تحقیق با استفاده از نرم افزار لیزرل به آزمون تجربی در آمده است. ضرایب استاندارد شده خروجی لیزرل در نمودار شماره آمده است علاوه بر خروجی لیزرل ضرایب مسیر برای وضوح بیشتر بر روی مدل مفهومی پژوهش قرار گرفته است.

خروجی نرم افزار لیزرل در معنی داری آزمون رابطه علی میان عوامل مؤثر بر گرایش به نظم انسجامی



در ادامه شش متغیر مستقل همراه با ضریب استاندارد و نتایج معناداری آنها در جدول زیر آمده است:

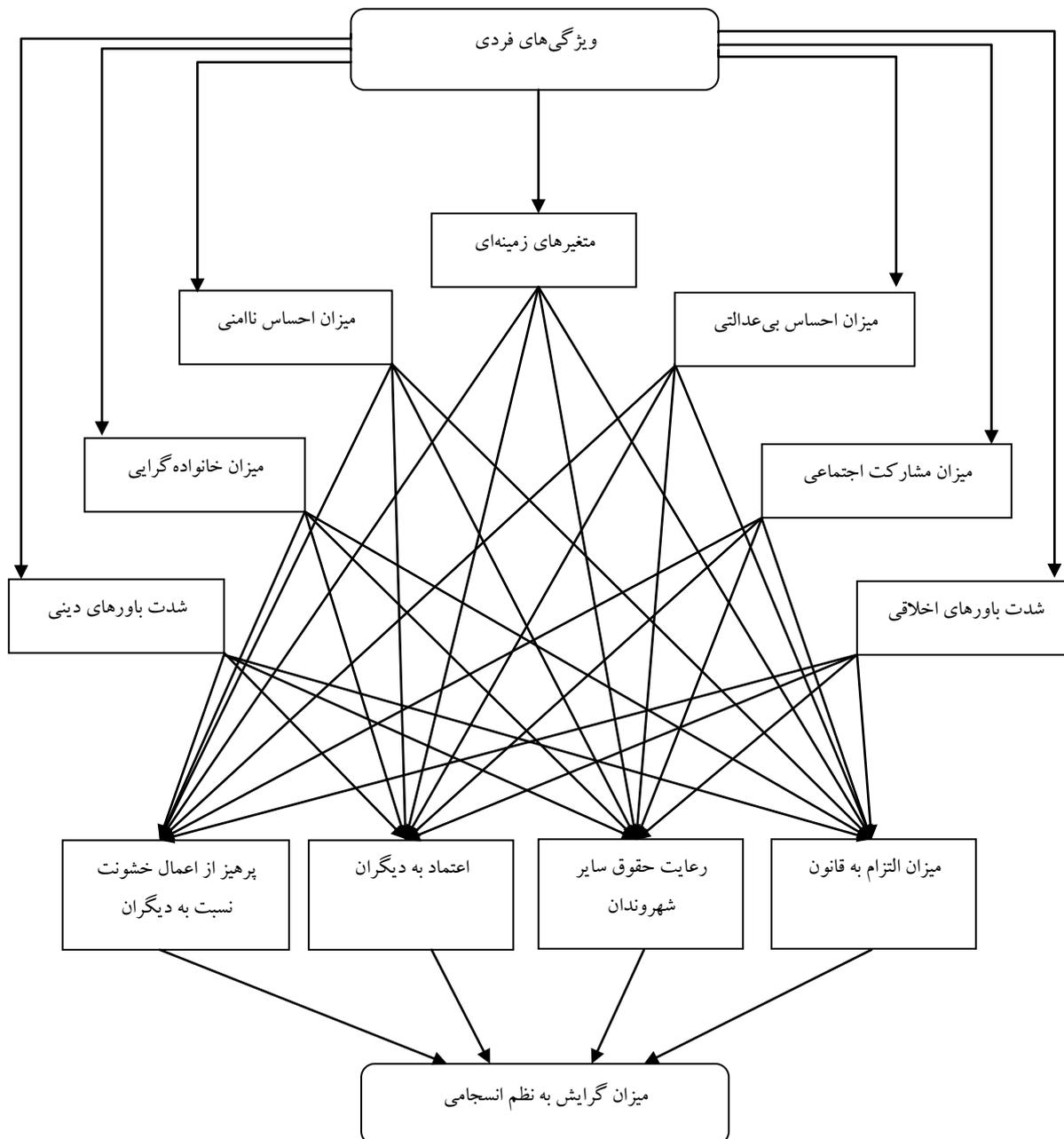
جدول شماره (۱۰) شاخص‌های برازش مدل

نتیجه	t- value	ضریب استاندارد (β)	مدل اصلی تحقیق
معنی دار	-۱۳.۷۶۹	-۰.۴۵۰	احساس بی عدالتی ← میزان گرایش به نظم انسجامی
معنی دار	-۱۹.۰۴۵	-۰.۵۷۱	احساس ناامنی ← میزان گرایش به نظم انسجامی
معنی دار	۱۸.۹۵۲	۰.۵۷۰	میزان مشارکت اجتماعی ← میزان گرایش به نظم انسجامی
معنی دار	-۲۴.۲۱۵	-۰.۶۶۳	میزان خانواده گرایی ← میزان گرایش به نظم انسجامی
معنی دار	-۲.۱۰	-۰.۰۷۷	شدت باورهای دینی ← میزان گرایش به نظم انسجامی
معنی دار	۱۴۸۵۲	۰.۴۷۷	شدت باورهای اخلاقی ← میزان گرایش به نظم انسجامی

χ^2 ۲۰۶۶.۲۲ = df = ۱۱۵۴ RMSEA = ۰.۰۵ GFI = ۰.۹۳ AGFI = ۰.۹۳ CFI = ۰.۹۳ NFI = ۰.۹۳ RMR = ۰.۰۲۵
 ارزش در سطح اطمینان ۹۹٪ معنی دار است.

با توجه به مقدار های معنی داری (t-value) جدول به خاطر این که در بازه (۱/۹۶ - تا ۱/۹۶) قرار نگرفته اند لذا می توان گفت

تمام رابطه‌های از نوع تأثیر فوق‌الذکر معنی‌دار هستند یا به عبارت دیگر می‌توان گفت همه عوامل (احساس بی‌عدالتی، احساس ناامنی، میزان مشارکت اجتماعی، میزان خانواده‌گرایی، شدت باورهای دینی و شدت باورهای اخلاقی) از عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نظم انسجامی هستند، و با توجه به مقدار ضرایب استاندارد باید گفت میزان خانواده‌گرایی بیشترین و شدت باورهای دینی کمترین میزان تأثیر را بر میزان گرایش به نظم انسجامی دارا هستند. بدین ترتیب می‌توان مدل تحقیق را براساس یافته‌ها ترسیم نمود:



نتیجه گیری

همانطور که در تحلیل یافته‌های آماری نشان داده شد، شش متغیر احساس بی‌عدالتی، احساس ناامنی، میزان مشارکت اجتماعی، میزان خانواده‌گرایی، شدت باورهای دینی و شدت باورهای اخلاقی با نظم انسجامی رابطه معناداری دارند، در واقع این متغیرها می‌توانند بر ثبات یا ناپایداری نظم اجتماعی اثر بگذارند و به صورت واسطه‌ای نیز از طریق شاخص‌هایی چون میزان التزام به قانون، میزان رعایت حقوق سایر شهروندان، میزان اعتماد به دیگران و میزان اعمال خشونت نسبت به دیگران نیز بر نظم اجتماعی مؤثر واقع شوند. بدین ترتیب مدل تأیید شده نظم اجتماعی در سطح خرد بدست می‌آید. اما در جهت شناخت تفاوت‌های موجود بین این شهرها باید گفت در حالیکه ساکنان لندن احساس بی‌عدالتی را بسیار کم ارزیابی کرده‌اند و در بمبئی نیز این احساس در حد متوسطی است در تهران با شدت این احساس روبرو هستیم، این موضوع جای تأمل دارد چرا که علی‌رغم تمامی تلاش‌هایی که برای کاهش فاصله طبقاتی انجام شده و طرح‌هایی که برای توزیع مناسب ثروت در جامعه به اجرا درآمده، اکثریت ساکنان تهران احساس مطلوبی در این زمینه ندارند و بر این باورند که در جامعه «عدالت به معنای واقعی» آن اجرا نمی‌شود.

در مورد «احساس ناامنی» نیز موضوع قابل تأمل است، کمترین میزان احساس ناامنی در بمبئی وجود دارد. در این شهر حتی ثروتمندان از دزدگیر یا قفل‌های ضدسرقت یا نرده‌های غیرقابل عبور در منازل استفاده نمی‌کنند، و به صورت عینی دیده شده که اغلب اتومبیل‌ها بدون اینکه مجهز به امکاناتی خاص باشند در خیابان‌ها پارک می‌شوند و صاحبان آنها در این مورد احساس نگرانی ندارند. این وضعیت تا حدی مشابه وضعیت شهروندان لندن است، اگرچه در لندن باید عملکرد پلیس در حفاظت از شهر و کنترل دقیق آن را مؤثر دانست، اما در تهران احساس ناامنی از دو شهر دیگر بیشتر است.

یکی از مهم‌ترین تمایزات این شهرها را می‌توان در خانواده‌گرایی ساکنان آنها جستجو نمود. این مفهوم در ایران معنای خاص خود را دارد و این باور وجود دارد که ایرانی‌ها نه فردگرا و نه جمع‌گرا به معنای رایج آن در ادبیات جامعه‌شناسی هستند بلکه گزینه میانه‌ای برای آنان اولویت پیدا می‌کند که آنان را «خانواده‌گرا» می‌سازد. میزان خانواده‌گرایی در تهران بیش از هر دو شهر دیگر است، البته این موضوع می‌تواند در مبحث مرتبط با خانواده به‌عنوان گرایش مطلوب قلمداد شود اما در بحث از نظم اجتماعی نباید آن را پدیده‌ای مثبت قلمداد کرد، به‌ویژه آنکه در بحث از نظم اجتماعی درک منافع جمعی جامعه و توجه به مصالح عمومی آن حائز اهمیت است در حالیکه گرایش‌هایی مانند خانواده‌گرایی می‌تواند بر آن اثر مخربی داشته باشد.

از دیگر عواملی که بر نظم اجتماعی در این شهرها مؤثر واقع می‌شود «شدت باورهای دینی» است، در حالیکه ساکنان لندن دارای کمترین شدت در این زمینه هستند شهروندان بمبئی بالاترین میزان را در این زمینه دارند، در تهران با وضعیت بینابینی روبرو هستیم، از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که در بمبئی اعتقادات دینی در رفتارهای اجتماعی مردم نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و بسیاری از رفتارهای موافق نظم اجتماعی تحت تأثیر باورهای دینی شکل می‌گیرد، نوعی «تقدیرگرایی» یا تسلیم‌شدن در برابر آنچه خداوند برای افراد مقدر نموده در عمق آموزه‌های دینی هندوئیسم وجود دارد، در حالیکه در کشورهای شمال اروپا این اعتقادات چندان تعیین‌کننده نیست این در حالی است که در لندن با اقلیت‌های گوناگون دینی نیز روبرو هستیم اما می‌توان گفت این نوع باورها در رفتار اجتماعی ساکنان این شهر تأثیر چندانی ندارد

در مقایسه تطبیقی این سه شهر با یکدیگر تهران نسبت به دو شهر دیگر وضعیت نامطلوب‌تری از این نظر دارد، به‌طوریکه شناخت دلایل این تفاوت می‌تواند منجر به ارائه راهکارهایی اجرایی برای ایجاد نظم اجتماعی مطلوب‌تر در این شهر گردد.

از آنجا که ساکنان تهران احساس بی‌عدالتی بیشتری نسبت به دو شهر دیگر دارند، این موضوع نشان‌دهنده آن است که باید تمامی عواملی را که بر ایجاد این احساس تأثیر گذاشته مورد مطالعه قرار داد، برخی از این عوامل به مسائل سیاسی مربوط می‌شود و پاره‌ای دیگر به موضوعات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ربط پیدا می‌کند، از نظر سیاسی فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای حضور فعال افراد در فعالیت‌های سیاسی و از نظر اجتماعی و فرهنگی برقراری امکاناتی که بتواند شهروندان را از نظر دستیابی به فرصت-

های شغلی یاری دهد حائز اهمیت است، از نظر اقتصادی نیز کاهش هرچه بیشتر فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه ثروت در جامعه در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کند. از سوی دیگر بالابودن احساس ناامنی نیز در ترکیب با احساس بی‌عدالتی افراد را در شرایطی قرار می‌دهد که زیرپانهادن هنجارهای اجتماعی و قواعد و اصول حاکم بر زندگی شهری را نوعی واکنش در برابر چنین احساسی محسوب نمایند. ساکنان تهران خود را در خلأ مشارکت اجتماعی مؤثر در امور زندگی خویش می‌بینند و هنگامی که در تصمیم‌گیری‌ها نظر آنان تأثیر خاصی بر جای نمی‌گذارد با خارج شدن از حلقه افراد مؤثر سعی در اتخاذ تصمیماتی برای نشان دادن و اثبات ارزش و جایگاه خود دارند که در مواردی اتخاذ این تصمیمات به معنی تقابل با نظم اجتماعی حاکم بر جامعه است.

از آنجا که گرایش به خانواده‌گرایی در بین ساکنان شهر تهران به‌عنوان عاملی نیرومند بر نظم اجتماعی مؤثر واقع می‌شود تمامی اقدامات و راهکارهایی که از زاویه نگاه به خانواده و از طریق بکارگیری این نهاد برای ملزم‌ساختن افراد به رعایت قواعد و هنجارهای حاکم بر جامعه در جهت ثبات نظم اجتماعی بکار گرفته می‌شود می‌تواند اثرات مثبتی بر جای گذارد، لذا نهاد خانواده در عین حال که بخودی خود از ارزش و اعتبار فوق‌العاده‌ای برخوردار است می‌تواند به‌عنوان یک نهاد واسطه‌ای عمل کند و نقش مهمی در این زمینه ایفا نماید. در طی سال‌های گذشته مهمترین تأکید مسئولان بر تقویت باورها و ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه بوده و نگرش به موضوع نظم اجتماعی نیز اغلب از زاویه همین نگاه صورت گرفته است در حالیکه این نگاه در حال حاضر از کارایی لازم برخوردار نیست و نمی‌توان از این طریق در جامعه رفتارهای هنجارمند را ایجاد نمود در مقابل تأکید بر اخلاق به‌عنوان قواعد عام و جهان‌شمول بدون آنکه آن را در تقید دین قرار دهد از الزامات جامعه امروزی است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد برای کنترل شرایط و ایجاد نظم و ثبات در شهر تهران نیاز به اتخاذ راهکارهایی در جهت مهار کامل مهاجرپذیری به این شهر وجود دارد چرا که مدت اقامت در شهر تأثیر مستقیمی بر گرایش به نظم انسجامی دارد و همواره افراد تازه‌وارد با تعارض‌ها و تقابل‌هایی در این زمینه روبرو هستند.

مسئولان ذیربط باید تلاش نمایند تا با گسترش و نهادمند کردن انجمن‌ها و شوراهای شهری زمینه حضور فعال مردم در این شوراها را بیش از پیش فراهم آورند و از نظرات آنان نه تنها در سطح تنویریک بلکه در عمل استفاده لازم را بنمایند. برای دستیابی به نظم اجتماعی انجام همزمان این اقدامات می‌تواند مؤثر واقع شود:

راهکارهای اجرایی

۱- تلاش در جهت کاهش احساس بی‌عدالتی در شهروندان از طریق:

الف- توزیع عادلانه ثروت در جامعه

ب- برابری فرصت‌های شغلی

ج- قانونمندساختن ضوابط پیشرفت در جامعه

د- برخورد قاطع با متخلفان و متجاوزان به حقوق مردم

۲- تلاش در جهت کاهش احساس ناامنی در شهروندان از طریق:

الف- برقراری امنیت هر چه بیشتر در شهر

ب- برخورد قاطع با عاملان ایجاد ناامنی در هر موقعیت شغلی

- ج- توجه خاص به امنیت زنان و کودکان
- د- رفع تنگنایهای فیزیکی در محیط شهری برای ایجاد احساس و امنیت
- ۳- تلاش در جهت افزایش میزان مشارکت اجتماعی شهروندان از طریق:
- الف- سهیم نمودن آنان در اتخاذ تصمیمات
- ب- فعال نمودن شوراهای و انجمنهای شهری
- ج- اصلاح قوانین با هدف جذب شهروندان به حضور در عرصه‌های تصمیم‌گیری
- د- رفع موانع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در این زمینه
- ۴- استفاده مطلوب از جایگاه نهاد خانواده در جهت تحکیم نظم اجتماعی از طریق:
- الف- جامعه‌پذیر نمودن کودکان و نوجوانان در خانواده
- ب- تقویت اخلاق شهروندی
- ج- ارتقاء سطح دانش و تحصیلات اعضای خانواده به ویژه زنان
- د- فراهم آوردن تسهیلات لازم برای ازدواج و کاهش عوامل مؤثر بر طلاق
- ۵- تلاش در جهت همسوساختن قواعد نظم اجتماعی با ارزش‌های دینی
- الف- پررنگ ساختن نقش اهداف در مقابل دین
- ب- تقویت التزامات عملی در برابر ظواهر دینی
- ج- تأکید بر ارزش‌های جهان‌شمول دینی
- د- پذیرش فهم متکثر و چندگانه از دین
- ۶- تلاش در جهت تقویت باورهای اخلاقی جامعه از طریق:
- الف- رفع معضلات زیربنایی مانند بیکاری
- ب- دقت در انتخاب صحیح مسئولین در رده‌های بالا
- ج- توجه خاص به نهادهای خانواده، آموزش و رسانه
- د- استفاده از روش‌های تشویقی در برابر تنبیهی
- در پایان باید به این نکته اشاره نمود که در بمبئی به عنوان شهری که بالاترین تراکم جمعیتی جهان را دارد و با مشکلات عدیده‌ای مانند زاغه‌نشینی نیز روبرو است و در آن تنوع شدیدی از نظر ادیان و مذاهب وجود دارد. نظام سیاسی حاکم بر جامعه در ایجاد انسجام اجتماعی و برقراری نظم اجتماعی موفق بوده که دلایل آن به طور مشروح ذکر گردید و در لندن مشارکت گسترده و همه‌جانبه مردم در اداره امور شهر و رعایت دقیق حقوق شهروندی در زمینه‌های مختلف عامل مهمی در برقراری نظم اجتماعی است. اما در تهران تنها با اتخاذ راهکارهای پیشنهادی می‌توان شاهد شرایط مطلوب بود با این امید که نتایج این تحقیق مورد توجه است دست‌اندرکاران و مسئولین ذیربط واقع شود.

- آراسته‌خو، محمد (۱۳۸۱)، نقد و نگرش به فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی، انتشارات چاپخش.
- آزاد ارمکی، تقی و افسانه کمالی (۱۳۸۳)، اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل بین دو جنس، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۲.
- اجاقلو، سجاد و محمدجواد زاهدی (۱۳۸۴)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر زنجان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۴.
- امیر کافی، مهدی. ۱۳۸۰، اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، نمایه پژوهش، شماره ۱۸.
- اوتارخانی، علی (۱۳۸۸)، عدالت و انصاف در همکاری مبتنی بر اعتماد، مجله چشم‌انداز مدیریت، زمستان ۱۳۸۸.
- باستانی، سوسن و مریم صالحی (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۳۰
- بیات، فریبرز (۱۳۸۳)، اخلاق و نظم اجتماعی پایدار، از مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی و انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۸)، برنامه‌ریزی اجتماعی و توسعه نامتعادل شهری، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، مرداد ۱۳۸۸.
- چلبی، مسعود، (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم، نشر نی
- چلبی، مسعود؛ صمد رسول‌زاده، (۱۳۸۱)، آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
- ربانی، رسول (۱۳۸۸)، بررسی موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه با تأکید بر خاص‌گرایی، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دانشگاه اصفهان، پاییز ۱۳۸۸.
- ساعی، علی (۱۳۸۶)، روش تحقیق در علوم اجتماعی با رهیافت انتقادی، انتشارات سمت.
- ساوج، مایک (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه ابوالقاسم پوررضا، انتشارات سمت.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶)، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۳)، سازو کارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرح‌های توسعه شهری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، بهار ۱۳۸۳
- شیخی، محمد (۱۳۸۹)، نقش مدیریت شهری در کنترل آسیب‌های ناشی از اسکان غیررسمی و حاشیه‌نشینی، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۲.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، روش‌شناسی مطالعات انتقاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- عبدالهی، حمید (۱۳۸۹)، موانع ساختاری استقرار قانون در ایران، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۸۹.
- عبداللهی، محمد؛ برزو مروت (۱۳۸۴) هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر سندج، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، منطق پژوهش تطبیقی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴ الف)، بررسی مشارکت روستایی در دو روستای گرمسار، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی، شماره ۲۸.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۴)، در هزار توی نظم جهانی، نشر نی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۸)، تقویت اخلاق شهروندی، راهی برای گذار به مردم‌سالاری مشارکتی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.
- فیالکوف، یانکل (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی شهری، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات آگاه.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۴)، اعتماد و نظم اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۸۴.
- کاظمی، عباس و محمدرضایی (۱۳۸۸)، شهر بی‌انضباط و محدودیت‌های ظهور شهروندی در ایران، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، پیامدهای مدرنیت، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۱)، ریشه‌های نابسامانی نظم در ایران، تهران، نشر گسترده
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۹)، مبانی نظری و تجربی واندالیسم، مطالعه موردی شهر تهران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۷۹.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۴)، تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹.
- ناطق‌پور، محمدجواد و سید احمد فیروزآبادی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن، فصلنامه جامعه‌شناسی ایران، شماره ۱۲.
- ورسلی، پیتر (۱۳۸۸)، نظریه‌های جامعه‌شناسی نظم، ترجمه سعید معیدفر، انتشارات جامعه‌شناسان.
- ویلسون، ادوارد (۱۳۸۴)، سوسیوبولوژی تلفیق نوین، ترجمه عبدالحسین وهاب‌زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- Alexander. J, (2001), The Binary Discourse of civil Society: The New Social Theory Reader. Rutledge.
- Blau, p (2002), Exchange and power in Social life. In Calhoun: contemporary sociological Theory, oxford, Blackwell.

- Hardin, Russel (2006). The street – level Epistemology of Trust. Oxford University press.
- Uslaner, Eric, (2002), Moral Foundation of Trust, Cambridge University press.
- Welch, M, (2005), Determinants and consequences of Trust: sociological Inquiry vol 75.